

## احوال و آثار، محمد اسماعیل ابجدی، شاعر سیدہ دوازدهم قمری

دکتر امجد جاوید ☆

### Abstract:

Amir Khosrow (1253-1325 AD) was a Sufi poet, musician and scholar. He is an iconic figure in the cultural history of Subcontinent. He is regarded as the founder of Qawali and he introduced Ghazal style songs in India. He is also credited with introducing Persian, Arabic & Turkish elements in Indian classical music. He was an expert in many styles of Persian poetry which were developed in midieval Persia. He was a prolific poet associated with the royal courts of more than seven rulers of Delhi Sultanate. He is the first poet who followed the foot steps of Nezami Ganjavi (1141-1209 AD) and wrote five Mathnavis in response to his Khamsa. In this article Paradox in his extremely famous five Mathnavis has been introduced, critically evaluated and scholarly analysed.

**Key words:** Amir Khosrow, Persian Poetry, Khamsa, Paradox, Analysis

میر محمد اسماعیل (مختار الملک، ۲۷؛ دایره معارف بزرگ اسلامی، ۳۶۲/۲؛ انوشه، ۴۷). شاعر پارسی گو و اردو سرای، سده دوازدهم ۱۲ھ، دربار محمد علی والajah فرمانروای ارکات (انوشه، ۴۷). (۱۱۶۳-۱۲۱۰ھ/۱۷۵۰-۱۷۹۶م) به شمار می رود. او در خاندانی اهل و ادب زاده شد، پدر او سید شاه میر، از اهالی بیجاپور و از خویشان مورخ مشهور، ملا محمد قاسم فرشته نویسنده "گلشن ابراهیمی" معروف به "تاریخ فرشته" بود. پدر و نیای ابجدی شاعر بودند

(محمد حسین محوی، کلیات ابجدی، الف، ب، ۱۹۴۴-۱۹۵۴م، مدراس). پدرش از بیجاپور به چنگلوپوت (chingliput) در کرناتک (carnatic) مهاجرت کرد و ابجدی در این شهر متولد شد. (۱)

ابجدی تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود از مرکز فرهنگ اسلامی هند آن روزگار بود، به آموختن زبان عربی و فارسی پرداخت، او کودک بود که پدرش درگذشت و ناچار به ترک خانه شد و سپس در کرکتپله (kirkatpata) دهکده ای نزدیک چنگلوپوت اقامت گزید. و همان جا ازدواج کرد. (دایره معارف بزرگ اسلامی، ۳۶۲/۲) نقل کرده اند از محوی، ب، ج)

ابجدی در روزگار حکومت عمده الملك محمد علی خان بهادر نواب والا جاه اول حاکم اکارت (۱۱۶۳-۱۲۱۰هـ/۱۷۵۰-۱۷۹۶م) به خدمت نواب مذکور در آمد و مربی فرزند وی نواب عمده الامراء (۱۲۱۰-۱۲۱۶هـ/۱۷۹۶-۱۸۰۱م) گردید، و او درس می گفت، (دانشنامه زبان ادب فارسی، ۱۵۱؛ فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، مختارالملک، ۲۷، محوی، ب) و ابستگی وی به دربار این حکمرانان محلی و بالا گرفتن رقابت در دولت انگلیسی و فرانسه برای حوادث سیاسی جاری درگیر شود.

حامی ابجدی، نواب والا جاه فرزند نور الدین خان گویاموی نواب کرناتک بود، که در جنگ "عمیر" از فرمانده فرانسوی، ژوزف فرانسوا دو پله (Joseph francois duplex) شکست خورد (۱۱۶۲هـ - ۱۷۴۹م) و خود و دوپسرش در این نبرد گشته شدند. (دایره معارف بزرگ اسلامی، ۳۶۲/۲) این واقعه موجب خصومت جانشینان وی با فرانسویان و همکاریشان با انگلیسی ها شد. ظاهراً ابجدی به هنگام محاصره مدراس توسط لالی (lally) و بوسی (bussy) فرماندهان قوای فرانسه، در این شهر اقامت داشته و به سرودن مشهورترین منظومه خود "انور نامه" مشغول بوده است، (اته، ۱۹۶؛ استوری، ۷۷۸؛ دولافوز، ۲۱۷؛ ابجدی حصه اول) و به سبب ملازمت درگاه نواب والا جاه، متحد انگلیسی ها، در شرایطی دشوار

زندگی می کرده است، اما این دوران ریزی نه پایید و شکست فرانسویها از قوای انگلستان به فرمان دهی سرایرکوت (Sir Eyre Coote) و ۱۱۷۳ هـ - ۱۷۶۰ م به قدرت کمپانی هند شرقی فرانسه در جنوب شبه قاره پایان داد. قلاع کرناتک و بوندیچری (Pondicherry) در ۱۱۷۴ هـ - ۱۷۶۱ م به تصرف کامل انگلیسی ها درآمد و تثبیت. قدرت والا جاه حامی شاعر، از پی آمدهای این تحول تاریخی بود. (دولافوز، ۲۱۷-۲۱۸).

وقتی که فرانسویان در جنوب هند قدرتی تمام یافتند و بریتانیای ها به سرزمین های زیر فرمان روایی اورنگ زیب دست اندازی کردند، ابجدی به دستگاه محمد علی فرمانروان ارکارت ۱۲۱۰ هـ پیوسته بود و به فرمان همین نواب ادب دوست، منظومه "انور نامه" خود را سروده و به سال ۱۱۸۹ هـ از محمد علی لقب ملك الشعراء گرفت. (مختار الملك، ۲۷؛ دایره معارف بزرگ اسلامی، ۳۶۲/۲؛ انوشه، ۴۷).

ابجدی به گفته خود، زمانی که مثنوی "راغب و مرغوب" را به شته نظم می کشید، ۷۰ سال از عمرش گذشته بود (دانشنامه زبان ادب فارسی، ۱۵۱؛ فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران). و پسری ۷ ساله داشته است. اما ۶ سال بعد که مثنوی "مودت نامه" را می سرود، زن و فرزند و برادرش را از دست داده بود. (دانشنامه زبان ادب فارسی، ۱۵۱؛ فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران). طبق اشاره خود او در "مودت نامه" وی در ۷۶ سالگی به یکی از مشایخ صوفیه به نام علی اکبر ارادت می ورزیده است. (ابجدی، ۳۱؛ نقل کرده از مودت نامه).

ابجدی سنی حنفی بود (ابجدی، حصه اول، ۱۴). و در اغلب آثار خود به ذکر مناقب رسول اکرم و مدح خلفای راشدین پرداخته، و با این همه به آل رسول به ویژه به سید الشهداء نیز ارادتی خاص داشته است.

مرگ شاعر ابجدی ۷۶ یا ۷۷ سالگی در ۱۱۹۲ هـ - ۱۷۷۸ م در گذشت، آرامگاه او در صحن مسجد میلا پور محله واقع است. (محو، م).  
ابجدی صاحب علم و دانش وابسته تدریس هم بود. در مدارس مدرسه ای

که خود در آن جا تأسیس کرد، (دانشنامه زبان ادب فارسی، ۱۵۱، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.) به تدریس زبان فارسی پرداخت. مؤلف "گلزار اعظم" "کسان زیر را در زمره شاگردان وی بر شمرده است، عمده الامراء بهادر ممتاز (حاکم اکارت)، امیر الامراء بهادر، سیف الملك مختار، اسد الدین خان است....." (دانشنامه زبان و ادب فارسی، ۱۵۱؛ فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.) پدر وجدش نیز شعر می سروده اند. (دایره معارف بزرگ اسلامی، ۲/۳۶۲). و ابجدی هم در اثر آنان همان صف شعرى غزل، قصیده مثنوی شعر می سروده اند. شعرش ساده، به طرز متقدمین است. (مختار الملك، ۲۷).

|                                        |                                   |
|----------------------------------------|-----------------------------------|
| در کشور عشق است همیشه وطن ما           | از روضه قدس است بهار چمن ما       |
| ما بلبل عشقیم درین گلشن رنگین          | زان بافته انداز رگ گل پیرهن ما    |
| دستگ بدر سینه زند دل ز طپیدن           | شاید که در آید بت سیمین بدن ما    |
| چون لاله گره بسته کند گل زمزارم        | خونی که به جوش است نهان در کفن ما |
| آن آتش عشقش که تپ دل اثر اوست          | چون شعله زند شعله به فانوس تن ما  |
| زین گونه اگر ابجدی باشد چه خوش است این | روشن ز رخ یار شود انجمن ما        |

(مختار الملك، (نقل از نتایج الافکار)

آثار ابجدی اینها است:

۱- خمسه: مهم ترین اثر وی است که به تقلید از خمسه نظامی سروده و شامل منظومه های زیر است.

(الف) زهدة الافکار، اولین مثنوی از خمسه شاعر که به پیروی از مخزن الاسرار نظامی گنجوی سروده شده است و ۱۳۰۰ بیت دارد، و حاوی اشعار اخلاقی و عرفانی است. این منظومه به مدت ۴۰ روز سروده شده است. (آقا بزرگ، ۱۲/۱۹؛ منزوی خطی، ۴/۲۸۵۲؛ محوی، ح.) این مثنوی پس از مقدمه ای در حمد و سپاس خداوند و مناجات و معراج نبی به ۲۰ مقاله تقسیم می شود.

(ب) انورنامه، دومین مثنوی از مثنوی های پنج گانه ابجدی است که در بحر متقارب در ۸ هزار بیت به پیروی از "اسکندرنامه" نظامی سروده شده و در

۱۱۷۴ھ پس از ۵ سال در تری چیناپالی (Trichinapally) به پایان رسید. (آته، ۱۵۷۵، ۹۳۱؛ استوری، ۷۷۸). این اثر حماس بسیار مورد توجه والا جاه قرار گرفت چنانکه شاعر را به لقب بهادر و خلعت خاص وصله ای به مبلغ ۶۷۰۰ (مختار الملک، ۲۷). رویه مفتخر ساخت. در این مثنوی رخدادهای مربوط به زندگی انور الدین و محمد علی جاه تا ۱۱۷۴ھ شرح شده است. از این رو از نظر تاریخی ارزنده و معتبر است. از آن جمله اثر منشور توزک والجاهی از منشی برهان خان بن حسن که در مقدمه آن شرحی در ستایش ابجدی مندرج است. و نیز اثر دیگر به نام سوانحات روزگار از خیر الدین حسن حافظ محمد ناصر خان بهادر صمصام جنگ که آن نیز به تقلید از "انورنامه" در ۱۲۵۲ھ / ۱۸۳۶م نوشته شده است. (آته، ۷۹۳۱، ۱۹۶).

(ج) راغب و مرغوب، سومین مثنوی از مثنوی های پنجگانه ابجدی در ۳۰۰ بیت، داستان عشق راغب شاهزاده یمن و مرغوب شاهزاده خانم چین و شرح ماجراهایی است که تارسیدن این دو به يك دیگر رخ می دهد. (آقا بزرگ، ۱۸۵/۱۹؛ منزوی، ۲۸۲۳/۴). ظاهراً شاعر در ۷۰ سالگی این منظومه را سروده است (ابجدی، حصه سوم / ۱۰۴).

(د) هفت جوهر، در احوال بهرام گور که آن را در جواب هفت پیکر نظامی سروده است. (منزوی، ۳۳۲۳/۴).

(هـ) مودت نامه، آخری منظومه از خمسة ابجدی در جواب خسرو شیرین نظامی و مشتمل ۳۵۰ بیت که شاعر در سالگی ۷۶ آن را سروده است. موضوع آن معاشقه همایون حاکم خوزستان و لعل پرور دختر بادشاه بدخشان است، که از روایات عامیانه و رایج روزگار شاعر بود. ابجدی در سرودن این منظومه شیوه بیان جامی در یوسف و زلیخا را در نظر داشته است.

۲- دیوان فارسی ابجدی، مجموعه ای از قصاید غزلیات و اشعار غنایی اوست که در پایان آن ۱۷ رباعی نیز آمده است. این مجموعه نمودار خوبی است از چگونگی شعر فارسی در این دوره در دکن که تاثیر زبان و ادب فارسی و رشد و رواج

آن را در این ناحیه به خوبی نشان می دهد. غزلیات ابجدی، بازتاب عواطف و نازک خیال های عاشقی است.

از اوست:

|                          |                        |
|--------------------------|------------------------|
| ای حسن تو جلوه سحرها     | وی روی تو قبله نظرها   |
| مژگان تو چون سنان خونریز | به هر قلب زند نیشترها  |
| تا دست تو در کمان در آید | شد تیر ترا سپه جگرها   |
| یک چشم تو صد هزار جادو   | یک دید تو برق صد نظرها |
| شد ابجدی از جفای ظالم    | آواره غربت سفرها       |

(مختار الملک، ۲۸).

۳- شرح تحفة العراقین : اثری منثور که ابجدی آن را در ۱۱۲۰ هـ - ۱۷۰۸ م نوشته شده و شرح ابیات دشوار منظومه معروف خاقانی است.

۴- حقیقت نامه: رساله ای کوتاه و منظوم به زبان اردو و شرح عارفانه ای است. خمسه ابجدی، همراه با دیوان اشعار فارس و شرح تحفة العراقین و حقیقت نامه در چهار جلد زیرعنوان کلیات ابجدی در فاصله ۱۹۴۴ تا ۱۹۵۴ م به کوشش مولوی محمد حسین محوی لکهنوی در مدراس به چاپ رسیده است.

۵- دیوان ریخته یا دیوان اردو: مجموعه ای از غزلیات، رباعیات و قطعات او به زبان اردو است. (اته، ۹۳۱).

۶- تحفة الصیان : استوری از نسخه خطی این منظومه که در اختیار گارسان دتاسی (Garein de Tassy) بوده یاد می کند.

۷- معظم نامه: منظومه ای که به یاد بود جنگ شاهزاده معظم و برادرش شاهزاده اعظم، پسران اورنگ زیب سروده شده است. پس از مرگ اورنگ زیب برسر جانشینی او در ۱۱۱۹ هـ - ۱۷۰۷ م میان این دو برادر در شمال آگره جنگی خونین روی داد که به کشته شدن اعظم انجامید و شاهزاده معظم با عنوان بهادر شاه اول (۱۱۱۹-۱۱۲۴ هـ / ۱۷۰۷-۱۷۱۲ م) جانشین پدر شد. (۲)

۸- مجموعه قصاید: که در آن در ستایش رسول اکرم (ص) و خاندان نبوت نیز

اشعاری سروده شده است. (محو، ز.)

ابجدی شاعر معتبر زمانه خود به شمار می رود. هنر و اندیشه های، صنایع و بدایع و صنعت های را در شعر خود استعمال می کند. تشبیه و استعارات در شعر فارسی او دیده می شود.

نمونه های کلام او:

|                          |                            |
|--------------------------|----------------------------|
| عهد در موسم بهار شکست    | تو به امشب به بزم یار شکست |
| رنگ بر روی لاله زار شکست | آب و تاب عذار گلگونش       |
| خار در چشم انتظار شکست   | از سر دست داد دولت وصل     |
| تابش چهره نگار شکست      | آب یخ بسته مرا دم را       |
| طره زلف تابدار شکست      | ابجدی رونق دل ما را        |

(مختار الملک، ۲۹۰)

|                                 |                                |
|---------------------------------|--------------------------------|
| مرغ دلم به زلف پریشان شکار کرد  | صیاد عشق بامن بیدل چه کار کرد  |
| سحر جمال ما رخی بی قرار کرد     | بیمار نیستم که طبیب دوا دهد    |
| آن حسن دلفریب تو بی اعتبار کرد  | از جوش فخر بود غروری بسر مرا   |
| افشای را ز یار سر او به دار کرد | منصور را نبود دگر هیچ اعتبار   |
| در چشم خاک راه شه ذوالفقار کرد  | گر عاصی است ابجدی اما ز صدق دل |

(مختار الملک، ۲۹۰)

|                                    |                                 |
|------------------------------------|---------------------------------|
| بر ریاض صبع محشر این غزل باید نوشت | ابجدی هر مصرع ماهست لختی از جگر |
|------------------------------------|---------------------------------|

(مختار الملک، ۲۹۰)

|                                  |                                   |
|----------------------------------|-----------------------------------|
| نور خورشید سراب است توهم می دانی | ابجدی رنگ فلک جمله فریب است و دغا |
|----------------------------------|-----------------------------------|

(مختار الملک، ۲۹۰)



### یادداشتها

- ۱- دایره معارف بزرگ اسلامی، ۳۶۲/۲؛ "سال تولد او بردستی دانسته نیست، ولی از آنجا که گفته اند، در هنگام مرگ ۷۶ یا ۷۷ سال عمر داشته، احتمالاً در ۱۱۱۶ یا ۱۱۱۷ هـ، زاده شده است. دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره فرهنگستان زبان ادب فارسی-تهران، ۱۵۱.
- ۲- منزوی، ۳۳۲۳/۴، آقا بزرگ، ۲۶۶/۲۱؛ دولافوز، ۱۹۴-۱۹۶، مزید بر آن که نسخه خطی این منظوم در دانشگاه پنجاب پاکستان موجود است

### کتابشناسی

- آقا بزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیخ، دار الضواء، القسم الثالث، الجزء التاسع، بیروت.
- آتہ، ہرمان، (۱۳۳۷ ش)، "تاریخ ادبیات فارسی" (ترجمہ رضا زادہ شفق)، تهران.
- انوشہ، حسن، (۱۳۸۴ ش-۲۰۰۵ م) "دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره" جلد اول، تهران.
- دایره المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۸ ش، انتشارات مرکز دایره المعارف اسلامی، تهران.
- ابجدی، کلیات ابجدی، محمد حسین محوی ۱۹۴۴-۱۹۵۴ م، مدراس.
- مختار الملک، سراج الدولہ محمد غوث خان بہادر جنگ، ۱۲۵۹ هـ، "صبح وطن"، مدراس.
- منزوی، احمد (بی تا)، "فہرست نسخہ ہای خطی فارسی"، (ج ۱، ۲، ۳، ۴، ۵)، کتابخانہ گنج بخش، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.

